

# بحثی پیرامون رأی دیوان دادگستری بین‌المللی درباره پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا

نویسنده: \*Margaret E. McGuinness

مترجم: حسن مهدویان  
کارشناس ارشد علوم سیاسی

## چکیده

مقاله حاضر به بررسی اجمالی آخرین رأی صادره توسط دیوان دادگستری بین‌المللی در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵ می‌پردازد. این رأی درباره پرونده فعالیت‌های مسلحانه اوگاندا در خاک کنگو (پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا) است. دیوان در رأی خود فعالیت‌های مسلحانه اوگاندا در قلمرو جمهوری دموکراتیک کنگو بین اوت ۱۹۹۸ تا ژوئن ۲۰۰۳ را ناقض قاعده "منع بین‌المللی توسل به زور در راستای اهداف تجاوزکارانه" و همچنین ناقض "حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه" اعلام کرد. البته دیوان به نفع دعوی متقابل اوگاندا مبنی بر اینکه جمهوری دموکراتیک کنگو تعهدات خود را در راستای اهداف تجاوزکارانه و همچنین ناقض "حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه" اعلام کرد. البته دیوان به نفع دعوی متقابل اوگاندا مبنی بر اینکه جمهوری دموکراتیک کنگو تعهدات خود را در چارچوب کنوانسیون روابط دیپلماتیک وین در قبال اوگاندا نقض کرده نیز رأی داد. دیوان، اوگاندا را به پرداخت خسارت به جمهوری دموکراتیک کنگو محکوم کرده است.



ارتکاب چنین اقداماتی بوسیله افراد تحت اختیارش، تعهدات قانونی بین‌المللی خود را مبنی بر احترام به حقوق بشر از جمله تعهد به تمایز و تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه را نقض کرده است.

۳- اوگاندا با بهره‌برداری از منابع طبیعی و غارت دارایی‌ها و ثروت‌های جمهوری دموکراتیک کنگو، حقوق بین‌الملل حاکم بر دوران اشغال، احترام به حاکمیت بر منابع طبیعی، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها<sup>۱۳</sup> و اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها را نقض کرده است.

اوگاندا نیز سه ادعای متقابل را به شرح زیر مطرح ساخت:

۱- جمهوری دموکراتیک کنگو با توسل به زور علیه اوگاندا ماده (۴) ۲ منشور ملل متحد را نقض کرده است.

۲- جمهوری دموکراتیک کنگو اجازه‌داد که به اماکن و پرسنل دیپلماتیک اوگاندا در کینشازا حمله شود که نقض آشکار حقوق حمایت دیپلماتیک<sup>۱۴</sup> بود.

۳- جمهوری دموکراتیک کنگو برخی از مواد موافقتنامه ۱۹۹۹ لوزاکا را نقض کرده است [۳]. دیوان در رأی نوامبر ۲۰۰۱ خود، ادعاهای متقابل اول و دوم اوگاندا را به مانند هر سه ادعای جمهوری دموکراتیک کنگو بخشی از یک مجموعه مبتنی بر واقعیت دانست و براساس ماده ۸۰ اساسنامه خود آنها را قابل قبول معرفی کرد [۴]. سومین ادعای متقابل اوگاندا به این دلیل که ارتباط مستقیمی با مضمون دعوی جمهوری دموکراتیک کنگو ندارد، غیرقابل قبول اعلام شد.

در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۵ دیوان دادگستری بین‌المللی<sup>۱</sup> تازه‌ترین رأی خود را صادر کرد. این رأی درباره پرونده فعالیت‌های مسلحانه در خاک کنگو (پرونده جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا)<sup>۲</sup> بود. دیوان فعالیت‌های مسلحانه اوگاندا در قلمرو جمهوری دموکراتیک کنگو<sup>۳</sup> بین اوت ۱۹۹۸ تا ژوئن ۲۰۰۳ را ناقض قاعده منع بین‌المللی توسل به زور<sup>۴</sup> در راستای اهداف تجاوزکارانه و همچنین ناقض حقوق بین‌الملل بشر<sup>۵</sup> و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه<sup>۶</sup> برشمرد. دیوان همچنین به نفع دعوی متقابل<sup>۷</sup> اوگاندا مبنی بر اینکه جمهوری دموکراتیک کنگو تعهدات خود را در چارچوب کنوانسیون روابط دیپلماتیک وین<sup>۸</sup> در قبال اوگاندا نقض کرده، رأی داد. دیوان اوگاندا را به پرداخت خسارت به جمهوری دموکراتیک کنگو محکوم کرد. منبع مقاله: پایگاه اینترنتی انجمن آمریکایی حقوق بین‌الملل به آدرس <http://www.asil.org>

## پیشینه، دعاوی و دعاوی متقابل

جمهوری دموکراتیک کنگو در ژوئن ۱۹۹۹ دادخواست خود را که در آن مدعی شده بود اوگاندا به این کشور تجاوز مسلحانه نموده و مرتکب نقض آشکار منشور ملل متحد و منشور سازمان وحدت آفریقا [۱] شده است به دیوان ارائه کرد. صلاحیت دیوان برای رسیدگی به موضوع براساس ماده (۲) ۶۳ اساسنامه آن محرز شد که طبق آن جمهوری دموکراتیک کنگو و اوگاندا نیز صلاحیت اجباری<sup>۹</sup> دیوان را پذیرفته‌اند [۲].

جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا سه ادعا مطرح کرد:

۱- اوگاندا با اقدامات نظامی و شبه نظامی خود برضد جمهوری دموکراتیک کنگو، با اشغال خاک این کشور و گسترش حمایت نظامی، اقتصادی و مالی خود از عملیات نیروهای شبه نظامی در قلمرو آن، حقوق بین‌الملل حاکم بر منع توسل به زور، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات<sup>۱۰</sup>، احترام به حاکمیت<sup>۱۱</sup>، و عدم مداخله<sup>۱۲</sup> را نقض کرده است.

۲- اوگاندا با اقدام خشونت‌آمیز علیه اتباع جمهوری دموکراتیک کنگو و تخریب دارایی‌ها و اموال آنها و با کوتاهی در ممانعت از



دیوان در اول ژوئیه سال ۲۰۰۰، تدابیر موقتی را وضع کرد که براساس آنها از هر دو طرف دعوی خواست" از توسل به هرگونه اقدامی که ممکن است حقوق طرف دیگر را تضییع کند یا اختلاف را شدت یا گسترش بخشد، خودداری کنند." [۵]

### توسل غیرقانونی به زور و نقض حاکمیت سرزمینی (پاراگرافهای ۲۸ تا ۶۱ رأی)

جمهوری دموکراتیک کنگو در اولین ادعای خود مدعی شده بود که از اوت ۱۹۹۸ تا ژوئن ۲۰۰۳، اوگاندا به صورت غیرقانونی نیروهای خود را در خاک این جمهوری مستقر کرده بود. البته جمهوری دموکراتیک کنگو اذعان داشت که پیش از اوت ۱۹۹۸، لوران کابیلا، رئیس‌جمهور وقت این کشور از حضور نیروهای اوگاندا برای تأمین امنیت مناطق شرقی کنگو که پس از سرنگونی موبوتوسه سه کو در ژوئیه ۱۹۹۷ به هیچ روش دیگری امکان‌پذیر نبود، استقبال کرده بود. این رضایت با امضاء پروتکل آوریل ۱۹۹۸ میان جمهوری دموکراتیک کنگو و اوگاندا رسماً مورد تأیید قرار گرفت. در ژوئیه ۱۹۹۸، کابیلا طی فرمانی خواستار خروج نیروهای رواندا از جمهوری دموکراتیک کنگو شد. جمهوری دموکراتیک کنگو در دعوی خود مدعی شده بود که این فرمان شامل پایان رسمی رضایت به حضور نیروهای اوگاندا در این کشور نیز می‌شده است. جمهوری دموکراتیک کنگو ادعا کرد که تا اوایل اوت ۱۹۹۸، کابیلا به هرگونه رضایت قبلی خود مبنی بر حضور نیروهای اوگاندا در خاک این کشور پایان داده بود.

اوگاندا در پاسخ به این ادعاها اظهار داشت که با وجود قید عبارت "همه نیروهای خارجی" هدف از صدور فرمان ژوئیه ۱۹۹۸، اوگاندا نبود. اوگاندا استدلال کرد که پروتکل آوریل ۱۹۹۸ به عنوان موافقتنامه‌ای حاکم بر حضور نیروهای اوگاندا بود و هرگونه عدول جمهوری دموکراتیک کنگو از رضایت نسبت به حضور نیروهای اوگاندا مستلزم اعلام انصراف و کناره‌گیری رسمی از پروتکل بود. اوگاندا همچنین استدلال کرد که حتی اگر دیوان به این نتیجه برسد که هیچگونه رضایتی به حضور نیروهای آن وجود نداشته و حضور نیروهایش به عنوان مداخله نظامی تلقی شود، استفاده از زور توسط آن پس از سپتامبر ۱۹۹۸ ذیل مقوله دفاع مشروع قرار می‌گیرد. دیوان به گزارش‌های رسمی سازمان ملل و یافته‌های کمیسیون پورتر [۶] مبنی بر اینکه جمهوری دموکراتیک کنگو رضایت خود

را در خصوص حضور نیروهای اوگاندا عملاً تا اوت ۱۹۹۸ پس گرفته بود، انکاء کرد. دیوان دریافت که پروتکل آوریل ۱۹۹۸ درباره حضور نیروهای اوگاندا نیازمند اعلام انصراف رسمی نبود و موافقتنامه‌های بعدی، از جمله موافقتنامه لوزاکا<sup>۱۶</sup> در سال ۱۹۹۹ و موافقتنامه لواندا<sup>۱۷</sup> در سال ۲۰۰۲ [۷] جوازی برای حضور نیروهای اوگاندا در جمهوری دموکراتیک کنگو محسوب نمی‌شدند و حکایت از چگونگی خروج نیروها داشتند [۸].

دیوان ادعای اوگاندا را در خصوص اینکه به دفاع مشروع براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد توسل جسته، رد کرد [۹]. اوگاندا مدعی نشد که در برابر یک حمله پیشدستانه متوسل به زور شده است. بنابراین، پرسشهایی مطرح بودند مبنی بر اینکه آیا واقعا حمله نظامی بالفعل<sup>۱۸</sup> علیه اوگاندا اتفاق افتاده بود و اگر اتفاق افتاده بود آیا جمهوری دموکراتیک کنگو در قبال آن مسول بود؟ اما اوگاندا هرگز مدعی نشد که از سوی نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک



کنگو مورد حمله واقع شده است [۱۰]، و دیوان هیچ مدرک و دلیل رضایت‌بخشی در این خصوص نیافت که جمهوری دموکراتیک کنگو در حملاتی که بوسیله نیروهای دیگر انجام شده بودند، دخالت داشته است. بنابراین، دیوان بدون پرداختن به این موضوع که آیا توسل به زور توسط اوگاندا براساس ضرورت و تناسبی که لازمه دفاع مشروع است صورت گرفته یا نه، ادعای اوگاندا را رد کرد (پاراگرافهای ۱۴۷ - ۶۴۱) [۱۱]. دیوان اذعان داشت که به نظر می‌رسد تصرف فرودگاهها و شهرهایی که صدها کیلومتر آنسوی مرز اوگاندا قرار دارند، نه تناسبی با مجموعه حملات فرامرزی داشت که ادعا شده است حق دفاع مشروع را موجب شدند، و نه برای پایان دادن به چنین حملاتی ضروری بودند (پاراگراف ۱۴۷).

هرچند دیوان به این نتیجه رسید که هیچ دلیل معتبری مبنی بر اینکه اوگاندا جنبش آزادی بخش کنگو<sup>۱۹</sup> را (نیروی نامنظم که برضد دولت جمهوری دموکراتیک کنگو مبارزه می‌کند) ایجاد کرده وجود ندارد، اما دریافت که اوگاندا حمایت‌های آموزشی و نظامی از این

جنبش بعمل آورده است. دیوان با اتکاء به رأی قبلی خود در پرونده فعالیتهای نظامی و شبه نظامی در و برضد نیکاراگوئه (پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا)<sup>۲۰</sup> تصدیق کرد که اصل عدم مداخله، دولت‌ها را از دخالت مستقیم یا غیرمستقیم، با توسل یا بدون توسل به نیروهای مسلح، با هدف حمایت از یک نیروی اپوزیسیون داخلی در امور یکدیگر منع می‌کند [۱۲].

بنابراین، دیوان به این جمع‌بندی رسید که:

۱- اوگاندا حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری دموکراتیک کنگو را نقض کرده است،

۲- اقدامات اوگاندا مداخله در امور داخلی جمهوری دموکراتیک کنگو بوده است و

۳- مداخله نظامی غیرقانونی اوگاندا به حدی گسترده و مستمر بوده که دیوان آن را نقض شدید اصل منع توسل به زور که در بند ۴ ماده ۲ منشور قید شده است، در نظر می‌گیرد. (پاراگراف (۵۶۱) [۱۳])

### مسئله اشغال نظامی

پیش از بررسی دو ادعای دیگر جمهوری دموکراتیک کنگو، دیوان حضور اوگاندا و فعالیتهای نظامی آن را در شرق این جمهوری بین اوت ۱۹۹۸ و ژوئن ۲۰۰۳ اشغال نظامی<sup>۲۱</sup> براساس حقوق بشر دوستانه بین‌المللی خواند [۱۴]. بر همین اساس، دیوان استدلال اوگاندا را مبنی بر اینکه چون نیروهایش عمدتاً در مناطق مرزی استقرار داشته و در آنجا مقر فرماندهی نظامی ایجاد نکرده بود، پس نیروهای اشغالگر نبودند، رد کرد.

دیوان با اشاره به پرونده دیوار حائل در سرزمینهای اشغالی<sup>۲۲</sup> [۱۵] اعلام کرد که براساس مقررات ۱۹۰۷ لاهه هنگامی که سرزمینی "بالفعل" تحت اقتدار و سلسله یک ارتش متخاصم قرار می‌گیرد، اشغال نظامی تحقق می‌یابد و سرزمین اشغالی تنها مناطقی را شامل می‌گردد که در آن "چنین سلطه‌ای برقرار شده و می‌تواند اعمال گردد". براساس چنین تعریفی از اشغال، "نیروهای اوگاندا صرفاً در مناطقی از جمهوری دموکراتیک کنگو مستقر نشده بودند بلکه سلطه خود را جانشین سلطه دولت کنگو کرده بودند" (پاراگراف ۱۷۳). فقدان فرماندهی ساختارمند نظامی نامرتب با مسئله تشخیص داده شد [۱۶].

دیوان به این نتیجه رسید که اوگاندا در منطقه ایتوری<sup>۲۳</sup> که نیروهایش حضور داشتند، قدرتی اشغالگر بود. حضور نیروهای اوگاندا در

این منطقه به حدی بود که فرمانده نیروی دفاع مردمی اوگاندا<sup>۲۳</sup> [۱۷] در ژوئن ۱۹۹۹ استانی با نام کیبالی - ایتوری<sup>۲۵</sup> ایجاد کرده و فرماندار موقتی برای آن منصوب نموده بود.

### نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (پاراگرافهای ۱۸۱ تا ۲۲۱ رأی)

دیوان با رأی به اینکه اوگاندا قدرتی اشغالگر در ایتوری بوده است، رسیدگی به دعوی دیگر جمهوری دموکراتیک کنگو را مبنی بر اینکه اوگاندا مسئول نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در آن سرزمینی است، آغاز نمود. جمهوری دموکراتیک کنگو این نقض‌ها را شامل طیف وسیعی از جمله قتل عام غیرقانونی، شکنجه و دیگر صور رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز معرفی کرد. ضبط غیرقانونی اموال خصوصی بوسیله نیروهای اوگاندا، ربودن و سربازگیری اجباری چندین صد کودک کنگویی بوسیله نیروی دفاع مردمی اوگاندا در سال ۲۰۰۰، و قصور نیروهای اوگاندا در تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان آنگونه که براساس حقوق بشر دوستانه بین‌المللی می‌بایست رعایت می‌شد نیز از جمله ادعاهای جمهوری دموکراتیک کنگو برضد اوگاندا بودند. دیوان استدلال اوگاندا مبنی بر اینکه چون این ادعای اخیر اشاره به درگیریهای سال ۲۰۰۰ در کیسانگانی که نیروهای رواندا نیز یکی از طرفهای آن بودند، دارد، پس استماع این ادعا بدون رضایت رواندا امکان‌پذیر نیست، رد نمود (پاراگرافهای ۲۰۳ تا ۲۰۴) [۱۸].

دیوان دریافت که فعل و ترک فعلهای پرسنل نظامی نیروی دفاع مردمی اوگاندا به عنوان یک ارگان دولتی حتی در مواردی که خارج از حوزه اختیار یک سرباز یا افسر نظامی صورت پذیرفته باشند، قابل انتساب به اوگاندا هستند (پاراگراف ۲۱۳ تا ۲۱۴). دیوان همچنین خاطر نشان ساخت که تعهدات دولتها به رعایت اصول حقوق بشر در وضعیت درگیری مسلحانه پایان نمی‌یابند (پاراگراف ۲۱۶).

دیوان به این نتیجه رسید که اقدامات نیروی دفاع مردمی اوگاندا و نیروها و سربازان آن ناقض حقوق بین‌الملل عرفی آنگونه که در مواد ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۴۳، ۴۶ و ۴۷ مقررات ۱۹۰۷ لاهه انعکاس یافته‌اند، و همچنین ناقض تعهدات عهدنامه‌های زیر که بوسیله اوگاندا پذیرفته شده‌اند بوده است:

(الف) مواد ۲۷، ۳۲ و ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو (تعهدات یک قدرت اشغالگر)

(ب) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶، پاراگرافهای ۷۱ و ۷۰؛ اولین پروتکل الحاقی به کنوانسیونهای ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو، مواد ۴۸، ۵۲، ۵۷، ۵۸، و ۷۵ پاراگرافهای ۱ و ۲

(ج) منشور آفریقایی حقوق بشر مواد ۴ و ۵  
(د) کنوانسیون حقوق کودک ماده ۳۸ پاراگرافهای ۲ و ۳

(هـ) پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک مواد ۲ و ۱ و ۳ پاراگرافهای ۳، ۴، ۵ و ۶ (پاراگراف ۲۱۹).

### بهربرداری غیرقانونی از منابع طبیعی (پاراگرافهای ۲۲۲ تا ۲۵۰ رأی)

آخرین ادعای جمهوری دموکراتیک کنگو این بود که اوگاندا حقوق قراردادی و عرفی بین‌المللی از جمله وظایفی که یک قدرت اشغالگر به موجب حقوق زمان جنگ<sup>۲۶</sup> دارد را از طریق اقدام به بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی کنگو و غارت و چپاول دارایی و ثروت



این جمهوری نقض کرده است. اگر چه دیوان این موضوع را که بهره‌برداری از منابع جمهوری دموکراتیک کنگو از سیاستهای رسمی دولت اوگاندا بوده تأیید نکرد، اما اعلام داشت که برای اثبات این امر که نیروها و سربازان نیروی دفاع مردمی، از جمله افسران عالی‌رتبه آن در غارت، چپاول و بهره‌برداری از منابع طبیعی جمهوری دموکراتیک کنگو دست داشتند و مقامات نظامی هیچ اقدامی برای خاتمه بخشیدن به این اقدامات بعمل نیاوردند به شواهد و مدارک کاملاً معتبر و قانع‌کننده‌ای دست یافته است. (پاراگراف ۲۴۲). دیوان از اعلام این واقعیت که غارت و چپاول منابع طبیعی در شرایط مداخله نظامی خارجی، حاکمیت جمهوری دموکراتیک کنگو بر منابع طبیعی‌اش آنگونه که بوسیله قطعنامه‌های مجمع عمومی با هدف کنترل منابع طبیعی بوسیله دولتهای مستقل جدید پس‌استعماری تعریف شده است را نقض کرده، خودداری ورزید [۱۹]. به بیان دقیقتر، دیوان به این نتیجه رسید که اقدامات نیروی دفاع مردمی اوگاندا در غارت و چپاول منابع کنگو باید نقض حقوق بین‌الملل زمان جنگ براساس مقررات

۱۹۰۷ لاهه (ماده ۷۴) و کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ (ماده ۳۳) که غارت و چپاول را ممنوع اعلام کرده‌اند و منشور آفریقا (ماده ۱۲) که مستلزم جبران خسارت یا پرداخت غرامت در پی وقوع غارت و چپاول می‌باشد، تلقی شود (پاراگراف ۲۴۵).

### جبران خسارت (پاراگرافهای ۲۵۱ تا ۱۶۲ رأی)

دیوان تقاضای جبران خسارت از سوی جمهوری دموکراتیک کنگو را تأیید و خاطر نشان ساخت که براساس رویه گذشته این امر کاملاً در حقوق بین‌الملل عام جا افتاده است دولتی که مسول عمل نامشروع بین‌المللی می‌باشد ملزم به جبران کامل خسارت ناشی از اقدام خود است (پاراگراف ۲۵۹) [۲۰]. در صورتی که اطراف دعوی نتوانند به توافقی برسند، میزان خسارت بوسیله دیوان در یک جریان رسیدگی آتی تعیین خواهد شد.

چون اوگاندا نیروهایش را در جمهوری دموکراتیک کنگو تا ژوئن ۲۰۰۳ نگه‌داشت و چون دیوان معتقد بود که اقدامات اوگاندا تا ژوئن ۲۰۰۳ ناقض حقوق بین‌الملل بود، دیوان رأی داد که اوگاندا در رعایت و عمل به تدابیر موقتی دیوان صادر شده در ژوئیه ۲۰۰۰، کوتاهی کرده است.

### دعای متقابل اوگاندا (پاراگرافهای ۲۶۶ تا ۳۴۴ رأی)

اوگاندا در اولین دعوی متقابل خود مدعی شده بود که از سال ۱۹۹۴ قربانی مخاصمات و دیگر فعالیتهای مخرب‌زدای گروههای مسلح مستقر در جمهوری دموکراتیک کنگو (که تا ۱۹۹۷ زئیر خوانده می‌شد) بود. اوگاندا مدعی بود که این گروههای مسلح مورد حمایت هم سودان و هم جمهوری دموکراتیک کنگو بودند و اقدامات آنها برضد نیروهای اوگاندا بوسیله نیروهای مسلح هر دو کشور هماهنگ می‌شد. اوگاندا به پرونده کانال کورفو به عنوان مبنایی برای این ادعا که جمهوری دموکراتیک کنگو با اجازه‌دادن به سودان و دیگر گروههای مسلح برای حمله به اوگاندا، اصل منع توسل به زور را نقض کرده است، استناد نمود بعلاوه اوگاندا استدلال کرد که حمایت جمهوری دموکراتیک کنگو بین سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ از نیروهای نامنظم ضد اوگاندا نمی‌توانست براساس دفاع مشروع توجیه‌پذیر باشد، چرا که این فعالیتها پیش از تصمیم اوگاندا به استقرار نیرو در جمهوری دموکراتیک کنگو صورت گرفتند.

دیوان با رأی به اینکه اوگاندا قدرتی اشغالگر در ایتوری بوده است

دیوان رأی داد که اوگاندا در رعایت و عمل به تدابیر موقتی دیوان صادر شده در ژوئیه ۲۰۰۰، کوتاهی کرده است



دیوان کل ادعای متقابل اوگاندا را وارد ندانست. با وجود این اعلام کرد که در رابطه با اقدام نظامی ضد اوگاندا در شرق زئیر پیش از مه ۱۹۹۷، ادله و مدارک کافی که نشان دهند دولت زئیر قادر به کنترل این فعالیتها بوده است، وجود ندارد. دیوان همچنین اعلام کرد که ادله و شواهد پشتیبان این ادعای اوگاندا که جمهوری دموکراتیک کنگو از گروههای شورشی ضد اوگاندا بین سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ حمایت بعمل آورده ناکافی هستند. در طول این مدت که همکاری میان اوگاندا و دولت کابیلایا وجود داشت جمهوری دموکراتیک کنگو بر علیه شورشیان مخالف اوگاندا اقدام می کرد و جمهوری دموکراتیک کنگو به استقرار نیروهای اوگاندا در مناطق مرزی رضایت داد. بخشهای دیگر ادعای متقابل اوگاندا در رابطه با فعالیت پیش از اوت ۱۹۹۸ نیز رد شدند.

دیوان بقیه بخشهای ادعای متقابل اوگاندا مربوط به فعالیتها بعد از اوت ۱۹۹۸ را نیز رد کرد. چون دیوان اوگاندا را به دلیل استفاده غیرقانونی از زور بر ضد جمهوری دموکراتیک کنگو در طول آن دوره مقصر شناخت، لذا بر اساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد جمهوری دموکراتیک کنگو حق داشت برای دفع حملات اوگاندا به زور متوسل شود (پاراگراف ۳۰۴).

دومین ادعای متقابل اوگاندا در بردارنده ادعاهایی درباره تسخیر سفارت اوگاندا در کینشازا بوسیله سربازان کنگویی در اوت ۱۹۹۸ و همچنین غارت و حیف و میل اموال دیپلماتیک اوگاندا در کینشازا در پی خروج آخرین دیپلماتهای اوگاندا در سپتامبر ۱۹۹۸ بود. اوگاندا مدعی بود که هر کدام از این اقدامات ناقض حقوق دیپلماتیک و کنسولی بین المللی، خصوصاً کنوانسیون حقوق دیپلماتیک ۱۹۶۱ وین (کنوانسیون وین) بودند.

دیوان رأی داد که کنوانسیون وین بدون توجه به اینکه وضعیت مناقشه و درگیری مسلحانه حاکم است یا نه همچنان جاری و ساری است و شامل توافقی برای خروج مطمئن پرسنل دیپلماتیک در شرایط درگیری می باشد. این کنوانسیون همچنین مستلزم احترام به اموال و اماکن دیپلماتیک در مواقعی که روابط دیپلماتیک میان دولتهای فرستنده و پذیرنده نقض شده است، می باشد. این اصل در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران (پاراگراف ۸۶ ص ۴۰ گزارش رأی دیوان دادگستری بین المللی) مدنظر قرار گرفته بود.

دیوان استدلال جمهوری دموکراتیک کنگو را که ادعا می کرد نقض کنوانسیون وین ربطی به

ادعای این جمهوری درباره استفاده غیرقانونی از زور ندارد و اینکه ادعاهای متقابل اوگاندا مبتنی بر مستندات حقوقی همسان با دعوی اصلی نمی باشند و لذا مشمول شرط ارتباط قید شده در ماده ۸۰ اساسنامه دیوان نمی شوند، رد کرد. دیوان همچنین استدلال جمهوری دموکراتیک کنگو مبنی بر اینکه اوگاندا در توسل به مراجع صالحه داخلی برای تسلیم دعوی خود کوتاهی کرده را ناوارد دانست. دیوان خاطرنشان ساخت که مراجعه به مراجع صالحه داخلی الزامی نبوده است چرا که اوگاندا درصدد جبران صدمات وارده به قربانیان فردی نبود بلکه در راستای استیفای حقوق خود بر اساس کنوانسیون وین تلاش می کرده است (پاراگراف ۳۳۰).

با بازگشت به ماهیت دعوا، دیوان رأی داد که برای حمایت از این یافته که حملاتی بر ضد سفارت و سوء رفتار با دیپلماتهای اوگاندایی از جمله سوء رفتار با دیپلماتهای این کشور در خارج از سفارت رخ داده مدارک و ادله کافی وجود دارد؛ لذا جمهوری دموکراتیک کنگو تعهدات خود را بر اساس مواد ۲۲ و ۲۹ کنوانسیون وین نقض کرده است (پاراگرافهای ۳۳۷ و ۸۳۳ [۱۲]). دیوان بعلاوه رأی داد که در رابطه با غارت و چپاول ساختمانهای دیپلماتیک اوگاندا بوسیله گروههای شبه نظامی، جمهوری دموکراتیک کنگو متعهد به ممانعت از انجام چنین اقداماتی بود (پاراگراف ۳۴۲).

رأی گیری درباره هریک از احکام اصلی بر ضد اوگاندا به اتفاق آراء یا به عبارت دیگر با ۱۶ رأی موافق و یک رأی مخالف صادر شد [۲۲].

### \* درباره نویسنده

مارگارت ای. مک گینس از اعضای انجمن آمریکایی حقوق بین الملل و دانشیار حقوق دانشگاه میسوری کلمبیا است. وی کمک ویراستار و مولف همکار در کتاب "سخنانی پیرامون جنگ: دوری و میانجیگری برای پایان بخشیدن به درگیریهای مرگبار" و مولف کتابی با عنوان "چند جانبه گرایی و جنگ: طبقه بندی ای از کارکردهای نهادهای" است. وی همچنین از نویسندگان وبلاگ *opinio juris* که از وبلاگهای حقوق بین الملل است، می باشد.

### پی نوشتها

۱- دعوای اصلی علیه اوگاندا، برون دی و روآندا اقامه شد. جمهوری دموکراتیک کنگو از دعوی خود علیه برون دی و روآندا در سال ۲۰۰۱ صرف نظر کرد و دعوی جدیدی را علیه روآندا در سال ۲۰۰۲ به

جریان انداخت. استماع های عمومی مربوط به دعوا بر ضد روآندا صورت گرفته و تصمیم نهایی توسط دیوان به زودی اتخاذ خواهد شد.

۲- ماده (۲) ۶۳ بیان می دارد که: "دولتهای عضو اساسنامه حاضر ممکن است در هر زمانی اعلام کنند که عملاً بدون موافقتنامه ای خاص در ارتباط با هر دولتی که چنین تعهدی را بپذیرد، صلاحیت اجباری دیوان را در تمامی اختلافات حقوقی مرتبط با:

(۱) تفسیر یک معاهد

(۲) هرگونه پرسش درباره موضوعات حقوق بین الملل

(۳) هر واقعیتی که در صورت محرز شدن ناقض یک تعهد بین المللی باشد

(۴) ماهیت یا میزان خسارتی که در عوض نقض یک تعهد بین المللی وضع شده باشد، می پذیرند.

۳- موافقتنامه لوزاکا که شرایطی را برای یک آتش بس چند جانبه در جنگ در جمهوری دموکراتیک کنگو وضع کرد، در ژوئیه ۱۹۹۹ بوسیله جمهوری دموکراتیک کنگو، اوگاندا، روآندا، برون دی، آنگولا، نامیبیا و زیمبابوه امضاء شد.

۴- ماده ۸۰ اجازة طرح ادعاهای متقابلی را می دهد که ارتباط مستقیمی با مضمون ادعاهای طرف دیگر دعوا داشته باشند و در صلاحیت دیوان باشند.

۵- همچنین نگاه کنید به:

ASIL Insight, "Armed Activities on the Territory of the Congo: The International Court of Justice Orders the Parties to Refrain from Armed Action and Ensure Respect for Human Rights," Leopoldo Lovelace, Jr., July 2000.

۶- کمیسیون پورتر دیوان مستقلاً که برای تحقیق و تفحص بوسیله دولت اوگاندا در سال ۲۰۰۱ ایجاد شد، یافته های خود را در مه ۲۰۰۳ منتشر ساخت. چون روشهای تحقیق و تفحص آن مطابق با استانداردهای پذیرفته شده بود و در برگیرنده شهادت مقامات اوگاندا بر ضد منافع شان نیز می شد. دیوان خصوصاً یافته های مبتنی بر واقعیت کمیسیون را قابل اتکاء خواند.

۷- موافقتنامه لوآندا معاهده ای میان جمهوری دموکراتیک کنگو و اوگاندا برای تعیین

در رابطه با غارت و چپاول ساختمانهای دیپلماتیک اوگاندا بوسیله گروههای شبه نظامی، جمهوری دموکراتیک کنگو متعهد به ممانعت از انجام چنین اقداماتی بود (پاراگراف ۲۴۳).

گواه

- (ICJ)
- 2- Case Concerning Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda).
  - 3- Democratic Republic of Congo (DRC)
  - 4- aggressive use of force
  - 5- international human rights
  - 6- international humanitarian law
  - 7- counter-claim
  - 8- Vienne Convention on Diplomatic Relations
  - 9- compulsory jurisdiction
  - 10- peaceful settlement of disputes
  - 11- respect of sovereignty
  - 12- non-intervention
  - 13- right to self-determination of peoples
  - 14- law of diplomatic protection
  - 15- Porter Commission
  - 16- Lusaka Agreement
  - 17- Luanda Agreement
  - 18- actual
  - 19- the Movement for the Liberation of Congo (MLC)
  - 20- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America)
  - 21- belligerent occupation
  - 22- the Israeli Barrier case
  - 23- the Ituri district
  - 24- the Ugandan People's Defense Force (UPDF)
  - 25- Kibali-Ituri
  - 26- jus in bello duties

۱۶- قاضی Kooijmans در ابراز عقیده جداگانه‌ای با این نتیجه مخالفت کرد و اعلام کرد در عوض معتقد است که جمهوری دموکراتیک کنگو قادر بود از حاکمیت خود در مناطق آنسوی ایتوری که نیروهای اوگاندا حضور داشتند، دفاع کند.

۱۷- UPDF همان ارتش اوگاندا است.

۱۸- دیوان براساس پرونده زمین‌های فسفات در نائورو (پرونده نائورو علیه استرالیا) که در آن اعلام کرد اگر منافع حقوقی دولت سوم که ممکن است احتمالاً تحت تأثیر قرارگیرد، بخش قابل توجهی از تصمیمی که اتخاذ می‌شود را تشکیل ندهد، دیوان ممکن است بدون رضایت دولت سوم از صلاحیت خود دفاع کند.

۱۹- قطعنامه‌های ۱۸۰۳ (۱۹۶۲)، ۳۲۰۱ (۱۹۷۴) (اعلامیه ایجاد نظم اقتصاد بین-المللی جدید) و ۳۲۸۱ (۱۹۷۴) (منشور حقوق اقتصادی و وظایف دولتها) مجمع عمومی سازمان ملل

20- The Court cited Factory at Chorzów, Jurisdiction, 1927, P.C.I.J., Series A, No. 9, p. 21; Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, I.C.J. Reports 1997, p. 81, para. 152; and Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America), Judgment, I.C.J. Reports 2004, p. 59, para. 119).

۲۱- ماده ۲۲ شامل احترام به مصونیت از تعرض اماکن دیپلماتیک و ماده ۲۹ شامل احترام به مصونیت دیپلمات‌ها است.

۲۲- قاضی James Kateka، قاضی موقت منصوب شده بوسیله اوگاندا، براساس ماده ۳۱ اساسنامه دیوان (قاضی joe verhoeven قاضی موقت منصوب شده بوسیله جمهوری دموکراتیک کنگو بود)، مخالف سه فقره از آراء صادر شده بود. وی معتقد بود که دیوان در توضیح و شفاف‌سازی شرایطی که فعالیتهای شبه نظامی می‌تواند به عنوان حمله‌ای مسلحانه تلقی شود کوتاهی کرده است و به یافته‌های مبتنی بر واقعیت دیوان که به نظر وی مبتنی بر شواهد و مدارک یک طرفه بودند، شدیداً اعتراض داشت.

شرایط عقب‌نشینی نیروهای اوگاندا از جمهوری دموکراتیک کنگو بود.

۸- قاضی parra-Arangunen علیرغم موافقت با جریان دادرسی، با این استنتاج مخالف بود و خاطر نشان ساخت که موافقتنامه‌های لوزاکا و لوآندا، به همراه موافقتنامه‌های الحاقی حاکم بر خروج نیروها، امر محال حقوقی برای اوگاندا ایجاد کردند (یعنی اوگاندا نمی‌توانست هم براساس زمان‌بندی خروج نیروها عمل کند و هم براساس حقوق بین‌الملل حاکم بر عدم مداخله) و حداقل، دلیلی برای رضایت موقت جمهوری دموکراتیک کنگو فراهم آوردند.

۹- در بخشی از ماده ۵۱ آمده است: در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خودخواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد.

۱۰- جناحهای دیگری نیز در شرق کنگو در طول آن دوره زمانی درگیر بودند. دیوان یافته خود را محدود به این کرد که آیا اوگاندا بوسیله نیروهای جمهوری دموکراتیک کنگو مورد حمله قرار گرفته بود یا نه؟

۱۱- قاضی Simma در ابراز عقیده جداگانه خود خاطر نشان ساخت که دیوان از صدور رأی درباره اینکه آیا هرگونه حمله مرزی صورت گرفته بوسیله گروههای شورشی ضد اوگاندا برای رسیدن به آستانه حمله مسلحانه براساس ماده ۵۱ منشور کافی بوده است، خودداری کرد؛ پرسشی که دیوان آن را در رأی نیکاراگوئه نیز همچنان مفتوح گذاشت.

۱۲- گزارشهای ۱۹۸۶ دیوان دادگستری بین‌المللی، ص ۱۰۸ پاراگراف ۲۰۶، در پاراگراف ۱۶۴ رأی کنونی نقل شده است.

۱۳- در ابراز عقایدی جداگانه قاضی Elaraby و قاضی Simma اظهار داشتند که اقدامات اوگاندا باید به عنوان تجاوز مسلحانه غیرقانونی در نظر گرفته و درباره رأی صادر شود.

۱۴- این [مسئله] به عنوان آستانه ضروری تعیین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی حاکم بر موضوع و همچنین وظایف اوگاندا در نظر گرفته شده بود.

15- Legal Consequences of the Construction of a Wall in Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 2004, p. 167 paras 78 and p. 172, para 89.

(Footnotes)

1- International Court of Justice

